

موسیقی نامه‌ها

(آخرین قسمت)

محمد تقی دانش‌پژوه

چند کتاب چاپ شده درباره موسیقی

۱ - نوزبک فلهسق موزکه سی وه ئونیگ تاریخی از عبدالروف فطرت (فترهت) چاپ سمرقند و تاشکند در ۱۹۲۷، آقای اسحاق رجبزاده در شهر تاشکند نام این کتاب را به من گفت و برای من نوشت، او در کتاب خود «مقام لرمساله‌سی گه دائر» (ص ۶) هم از آن با عبارت Uzbek klassik muzikasi یاد کرده است.

۲ - «مقام لرمساله‌سی گه دائر» Makamlar masalasiga daer از اسحاق رجبزاده (رجیف) چاپ ۱۹۶۳ تاشکند به زبان ترکی به خط روسی در ۳۰۲ ص.

در آن از مقامها بحث خوبی شده و میان موسیقی تازه و کهنه سرزمین خراسان سنجشی شده است. مآخذ آن گذشته از آثار قطب شیرازی و آملی وزین‌العابدین حسینی و جامی و چنگی خاقانی آهنگها و سرودهای شهرهای آن سامان است. در پایان آن فهرستی است از اصطلاحات موسیقی که بیشترش فارسی است.

۳ - ایضاح لی منوگرافی موسیقی لغنی از افراسیاب بدلیلی موسیقی‌دان شهر باکو چاپ ۱۹۶۹ در همین شهر در ۴۴۸ ص به ترکی آذربایجانی به خط روسی. بیشتر آن فرهنگ اصطلاحات موسیقی است و کمی هم از تاریخ موسیقی در آن سامان در آن دیده میشود و نام پاره‌ای از کتابهای فارسی در آن هست. من مؤلف را در شهر لنینگراد دیده‌ام که دنبال منابع میگشت و میخواستند است که در تاریخ و فرهنگ موسیقی خاوری کتابی بنویسد. از اینکه نام چند کتاب موسیقی که در ایران نشر شده است و چند مقاله فارسی را برای او یادکردم بسیار شاد شده بود. مآخذ او در این کتاب بیشتر باید آثار عربی تازه بغداد و ترکی تازه استانبولی باشد و او از کتاب ایران کارن وصفوتی هم آگاه بود و به من گفت و من آنرا در پاریس یافت‌ام و خوانده‌ام.

۴ - Iran: Nelly Caron, D. Safvate به زبان فرانسه چاپ ۱۹۶۶ در ۲۴۶ ص. در آن از آهنگهای کنونی ایران و از تاریخ برخی از موسیقی‌دانهای ایرانی به ویژه

سده‌های سیزدهم و چهاردهم و از انواع موسیقی ملی ایرانی بحث شده است .
۵ - کتاب سمفون به روسی که گردیده‌ایست از تحفة السرور چنگی خاقانی که پیش از آن یاد کرده‌ام .

۶ - صدیق‌الله رشتین دانشمند پشتوزبان کابل کتابی در تاریخ موسیقی و افزارهای آن به همین زبان بنام «دژوند سندر» در ۱۳۳۸ در کابل به چاپ رسانده است . من آن را در کتابخانه هاروارد کیمبریج بستن خوانده‌ام . در آن از صفاء الاوقات فی علم النغمات درویش محمد حریری چاپ قاهره در ۱۹۱۰ یاد شده است (ص ۴۸) این کتاب در ۱۹۰۰ (۱۳۲۶) در ۱۰۴ ص و در ۱۳۲۸ (۱۹۰۲) در ۱۱۱ ص هم نشر گردیده است (معجم المطبوعات - فهرست علوچی ش ۸۹) .

۷ - احمد تیمورپاشا در «الموسیقی والغناء عند العرب» (چاپ ۱۳۶۳) نام افزارها و مقامات را که بیشتر به فارسی است آورده و در آن از درمان بیماریها با آهنگها و مقامات و پیوستگی مقامها با یکدیگر و نکته‌های دیگر درباره آنها یاد کرده است (ص ۱۲۵ - ۱۳۰) او از «الدرر المنتخبات المنثورة» چنین می‌آورد که «ابن کر» همه سرودهای کتاب الاغانی را می‌خوانده است و سهاب‌الدین احمد بن فضل‌الله عمری که با او آمیزش داشته است می‌گفته است که من خود دیدم که او با موسیقی هم می‌خواند و هم می‌گریاند ، درست مانند فارابی که از او این‌گونه هنرها یاد کرده‌اند مگر اینکه من آن را از «ابن کر» خود بچشم سر دیده‌ام به گفته مقریزی او خرخویش با آهنگ و دف و ایقاع دیگران به رقص در می‌آورده است .
نیز در آن از المقامات الجالیة الصفدیة یاد شده (ص ۱۲۳ - ۱۳۱) و رساله‌ای در موسیقی به نظم و نثر عربی که به درخواست نامرین زمام ساخته شده است که نام آهنگها در آن به فارسی است .

در ص ۱۴۰ - ۱۵۱ آن رساله‌ایست در موسیقی به عربی از روی نسخه خزانه تیموریه دارای این بندها :

- ۱ - «الباب الاول فی ماهیته و موضوعه و اشتقاق اسمه و فضله و برهانه» .
 - ۲ - «فصل فی اصل من وضع الموسیقی و من ولع» .
 - ۳ - فصل فیما ذکره اهل الفلسفة من اهل هذه» .
 - در اینجا از پیوستگی آهنگها و رنگها یاد شده است همانکه در موسیقی کندی آمده است .
 - ۴ - «فصل فی شرح الدائرة» .
 - ۵ - «فصل فی الثمان بردات التي هی فروع الاصول الاربعة» .
 - ۶ - «فصل فی الست آوازا» .
 - ۷ - «فصل فی اجزاء السبعة بحور» .
 - ۸ - «فی ذکر الشواذات» .
 - ۹ - «قاعده» که پس از این عنوان جدول کوچکی است و نسخه به انجام میرسد .
چنین است آغازش : «الحمد لله الذی شرف الانسان بنطق اللسان . . . اما بعد فلما کان علم الموسیقی من اشرف العلوم الرياضية . . . فاردت ان اوضح لهم هذا الطريق» .
در این رساله آمده است (ص ۱۴۳) : (حد تنی آخرین من اعیان بغداد حضروا بستان صاحب مجدالدین ابن الاثیر بقریة ابي حریم من نواحی بغداد فی خدمة الشیخ العلامة فربد عصره شمس‌الدین السهروردی فضرب بالعود مقابل عصف و بین ایدیهم ساقیة فجاء بلبل واصغی» .
در این رساله هم اصطلاحات فارسی است .
- در ص ۱۵۲ - ۱۶۲ این کتاب از جزوه‌ایست از شیخ عبدالرحمن حباک عودی به عربی در موسیقی که در آن نیز اصطلاحات فارسی است و چنین است فصول آن : اصول ،

۱ - درالموسیقی الکبیر فارابی خوانده‌ام که موسیقی را چنین اثرها هست .

فروع ، آوازا ت ، بحور ، اول الاصول الاربعة ، ابعاد ، سائر الفروع ، شرح الآوازا ت الستة ، ابحر النعمات ، تحرير رموز حضرت (كه شرح رمزها و رقمها و نتهای مؤلف است) .
چنين است آغاز آن :

الحمد لله ولى النعمة	من جادلى منه بعلم النعمة
.....
و بعد حمدالله و الصلاة	قد جاء نى ختل من التثان
يسالنى فى نظم ذى الرسالة	و شرحها فلم ادع مقالة
.....
اجبته سمعاه و طاعة	ثم نظمت هذه البراعة
انجام: و هذه كيفية الادوار	قد وضعت و رتبت للقارى
رموزها شبه نجوم زاهرة	قد نثرت على سطور باهرة
مختلفات اللون و الاعداد	منعوتة فى الشرح بالابعاد
و الحمد لله على الاتمام	و الشكر لله على الدوام

۸ - خليل مردم بك قصيدهاى به قافيه هاء، به عربى در ۱۱۷ بيت سروده ابن النقيب ابن حمزة سيد عبدالرحمن نقيب (۱۰۴۸ - ۱۰۸۱) يافته است كه او آن را با شرح در جمهرة المغنين (چاپ ۱۹۵۹) به چاپ رسانده است . در اين قصيده از مغنيان و دوستاران غناء در قرنهاى نخستين اسلامى و از چند شهر ياد شده است . درهمين كتاب سرگذشت صولى هم آمده و گفته شد كه كتاب شطرنج اورا دو نسخه است : نخستين و دومى و يكي از خلفاى عباسى شطرنج بازى اورا از بهترين لذتها به شمار آورده است (ص ۲۱۰) .
۹ - در فهرست كتب خانة آصفيه (۳ : ۴۹۲ و ۴۹۴ و ۷۲۳ و ۷۳۸) از اين كتابها ياد ميگردد :

۱ - اصول نعمات آصفى از صابر على بن محمد پناه كه در ۱۲۰۷ ساخته است (ش ۴۳۲ نيز ش ۶۱۹ ج ۴ ص ۴۹۴ و بنام غلام رضا صابر على) همان ش ۴۳ مقاله من در هنر و مردم و مجلة موسيقتى و جز ش ۸۵ .
۲ - بارجاتك در علم موسيقتى از ميرزا روشن ضمير (ش ۴۱۸) همان ش ۷۵ مقاله من
۳ - رساله موسيقتى مير صدر الدين محمد كه بنام «نواب سكندر جاه بهادر» ساخته است ، نسخه نوشته ۱۲۴۲ (ش ۳۹۳) همان ش ۳۷ مقاله من .
۴ - ناجور در فن موسيقتى از سلطان عالم و اجل على شاه زنده در ۱۳۰۵ كه در ۱۲۸۵ ساخته است به فارسى وارد و (نسخه چاپى ش ۳۶۷) .
۵ - رساله فى علم الموسيقتى ابن سينا به عربى (ش ۴۱/۳۱) .
۶ - رساله اصول السماع با ترجمه فارسى از مولانا فخر الدين زرادى خليفه حضرت نظام الدين اولياء به عربى و فارسى (ش ۴۹/۵) .
۷ - اباحة الغناء از عيسى بن عبدالرحيم به عربى (ش ۴۹/۱۰) .
۸ - رساله در بحث سماع (ش ۱۰۵/۴ جلد ۴ ص ۷۰۲) .
۹ - رساله مانكنوهل از فقير الله گواليارى ترجمه شده در ۱۰۷۳ (ش ۵۷۵ ج ۲ : ۴۹۴) همان شماره ۴۱ مقاله نگارنده .
۱۰ - در فهرست رامپور (۱ : ۳۳۶) مجموعه ايت از رساله هاى موسيقتى كه يكي از آنها «المنتخب من المدخل» است در ۷ ص (ش ۶۴ فهرست ۴۱۸/۸) و شايد اين يكي گريده از موسيقتى فارابى باشد .

(از يادداشتهاى آقاى دكتر محسن مهدى عراقى)

۱۱ - در كتابخانه بايزيد ولى الدين (ش ۲۳۲۹ دربرگهاى ۶۹ پ تا ۷۷ ر مجموعه

مورخ ۱۳ - ۱۱۱۲) «فی علم الموسیقی» است از احمد بن لطف الله المولوی
(از همان یادداشتها)

۱۲ - فهرست رامپور را در کتابخانه شهر لیدن خوانده‌ام ، در دیباچه آن نام کارکنان
کتابخانه آمده است ، در آن به این کتابها برخورده‌ام :

- ۱ - شرح الاشارات ابن کمونته بنام شرح الاصول والجمل من مهمات العلم والعمل ،
با رساله فی الوضع ، نسخ عمادالدین محمد عارف (ص ۳۹۴ ش ۹۱) .
- ۲ - شرح اشارات از گمنام (ص ۳۹۵ ش ۹۴) .
- ۳ - شرح التلویحات ابن کمونته در ۴۴۰ ص (ش ۹۵ همانجا) .
- ۴ - شرح حکمة الاشراف شیرازی (ش ۵۶۲ همانجا) .
- ۵ - شرح رساله النفس لارسطا طاليس للفارابی ، به نسخ (ص ۳۹۵ ش ، ج ۷۳) .
- ۶ - شرح رساله زینون کبیر در مجموعه ۱۵۰ و ۱۵۱ که هر یک ۱۵ رساله است به
نستعلیق و این دو نسخه مجموعه فارابیات است (ص ۳۹۵ و ۴۰۳) .
- ۷ - شرح الهیاکل دوانی نوشته در ۱۱۰۲ (ص ۳۹۶) .
- ۸ - شرح الهیاکل دشتکی نوشته ۸۹۸ (ص ۳۹۶) .
- ۹ - مرآة الحقائق ومجلی الدقائق دشتکی (ص ۴۰۴) .
- ۱۰ - الایماضات سید داماد (دوتا) (ص ۴۰۴) .
- ۱۱ - الافق المبین سید داماد (دوتا یکی نسخ و دیگری نستعلیق) (ص ۳۷۹) .
- ۱۲ - التقدیسات سید داماد (دوتا) (ص ۳۸۰ و ۳۸۱) .
- ۱۳ - رساله فی صناعة الموسیقی ابن سینا (ش ۷۶ مج در ص ۷۱۲ و ۸۲ مج در
ص ۳۹۱) .
- ۱۴ - رساله فی السماع والغناء (ش ۶۸ مج ص ۷۰۶) .
- ۱۵ - رساله فی علم الموسیقی : یحیی بن علی بن علی منجم .
- ۱۶ - رساله فی علم الموسیقی .
- ۱۷ - رساله فی علم التألیف .

(همه اینها در ص ۴۱۴ س ۶۴ مج)

- ۱۸ - الشرفیة فی النسب التألیفیة : ارموی ، نستعلیق با دوائر وجداول (ص ۴۱۶) .
- ۱۹ - الکافی فی الموسیقی : ابوالمنصورالحسین بن محمدالمهندس ، نستعلیق (ص ۴۱۷
ش ۶۴ مج موسیقی) .
- ۲۰ - امنتخب من کتاب المدخل للفارابی ، نستعلیق (مج ۶۴ ص ۴۱۸) .

۱۳ - در فهرست نسخه‌های اسلامی مدراس به انگلیسی (۱ : ۲۵۹ - ۵۳۱) یاد
شده است از :

- ۱ - تحفة النغمات محمد روح الله بن شاه وجه الله که برای نواب والجاه در دویخش :
موسیقی ایرانی و هندی ساخته است (ش ۵۱۴) .
- ۲ - راگ در پن از خوش حال خان (۵۱۵) .
- ۳ - راگ مالا از محمدحسن علی (ش ۵۱۶) .
- ۴ - رساله موسیقی هندی که فصل پنجم است (ش ۵۱۷)
- ۱۴ - در «فهرست مخطوطات مسجدالاحمدی بطنطا» تألیف علی سامی نشارو
عبده الراجحی و جلال ابوالفتوح به عربی چاپ اسکندریه در ۱۹۶ ص ۱۴۳ یاد شده است از:
۱ - رساله فی علم الموسیقی از محمد سنار که باب تخصصین آن «فی معرفة اصول الانغام»
است وجدولهایی درباره «ضروب الايقاع» دارد (به نسخ در ۲۸ ص ۲۲×۱۳ شماره خصوصی

۲ - رساله فی علم الموسیقی از ناشناخته (۱۸ ص ۱۸۸۸ شماره خ ۴۸ و ع ۷۸۰) .
 ۱۵ - در فهرست توصیفی نسخه‌های عربی و فارسی Descriptive catalog of arabic and persian manuscript مجموعه ویدیا سبهه Vidia Saliha گجرات تألیف چھوتوبھای رانچھوجی نایک Chhotubhai Ranchhodji Naik به انگلیسی چاپ احمدآباد در ۱۹۶۴ در شماره ۸۷ آن از مجموعه‌ای وصف شده است که شماره‌های ۶ و ۷ آن دورساله در موسیقی است و این دو روبهم به اندازه ۱۹/۵×۱۴/۵ و دارای ۱۹ برگ ۱۵ سطری هریک دارای ۷۰ حرف . بدینگونه :

۱ - رساله موسیقی دارای مقدمه و دوازده مقام و یک خاتمه نخستین درباره اهمیت موسیقی دومی درباره معنای آن سپس از ریشه و طبیعت آن واز الحان و آهنگها در آن گفتگو شده است . گویا مانند رساله کوکبی (ش ۲۷ مقاله من) .

۲ - رساله دیگر در موسیقی با یک مقدمه و یازده بخش که در آن از دوازده مقام یاد و گفته شده که نیروی شنوائی بهتر از نیروی بینایی است و در آن از شش مقام و آهنگها و آوازهای گوناگون و فوائد آنها سخن به میان آمده است .

فهرست نگار آغاز و انجام این دو را نگفته و نشانه بیشتری نداده و درخاتمه مجلد دوم با اینکه از شماره‌های دیگر این مجموعه باز سخن گفته است از این دو دیگر یادی نکرده است .
 ۱۶ - فارمر H. G. Farmer در رساله خود بنام An Old Moorish Lute Tutor (یک عودنواز کهن باختری) چهار رساله عربی را به چاپ رسانده و درباره آنها بررسی کرده است (چاپ ۱۹۳۳ گلاسکو) .

۱ - الجبوع فی علم الموسیقی والطبوع از عبدالرحمن فاسی (عکس نسخه برلین شماره ۵۱۶ لندبرگ شماره ۵۵۳۱ فهرست اهلورث مورخ ۱۶۵۰ م به نسخ مغربی) که به نظم عربی است در ۲۳ بیت دراز و کوتاه دارای مدخل (بیت ۱) و ایتاع (۲ - ۴) و لحن (۵) و کمیات (۶) و ابعاد (۷ - ۱۳) و اجناس (۱۴ - ۱۵) و نغم طبوع و طبیعة (۱۶ - ۲۳) در آن واژه‌های فارسی «زیل» مایه ، زیر ، اصبهان» دیده میشود .

۲ - معرفة النغمات الثمان (نسخه شماره ۳۳۴/۲ مادرید) دارای واژه‌های : ذیل ، مایه ، زیر ، اصفهان ، زورنکد ، امل ، حسین ، زیدان ، مزوم ، مجنب ، رصد ، استهلال ، حجاز کبیر ، حجاز مشرقی ، عشاق ، حصار ، حمدان .

۳ - فی الطابع والطبوع والاصول از لسان بن الخطیب سلمانی (شماره ۳۳۴ مادرید) .
 دارای واژه‌های : ذیل ، عراق ، رمل ، رصد ، زیدان ، آصبهانه ، عشاق ، مایه ، حسین ، محرر ، استهلال ، مشرقی ، عراق عجم ، حمدان ، مزوم .

۴ - الطبوع (شماره م ۳۳۴/۳ مادرید) .
 دارای واژه‌های : زورنکد ، حصار ، حمدان ، زیدان ، مجنب الذیل ، از طبوع ۳۶۶ گانه : مراست ، دوکه ، سیکه ، چارکه ، بنجکه ، حسین ، عراق ، کردانیه یا ماهور ،

نیز : ابوسلیق ، زیرکفند (زیرکفند) ، محسنی ، ركب ، بیانی ، نیرز ، شهناز ، رهاوی ، اوج سیکه ، اوج عراق ، زیکله ، عشیران العجم .

۱۷ - فارمر رساله‌ای دارد بنام

Turkish instruments of music in the seventeenth century

که در کلاسکو به سال ۱۹۳۷ نشر کرده است و این یکی تصحیح و تجدید مقاله اوست در مجله انجمن آسیائی همایونی لندن سال ۱۹۳۶ ، او میگوید که لاذقی از هشت افزار وحاجی خلیفه از نه افزار موسیقی یاد کرده‌اند ولی اولیا چلبی (۱۶۱۱ - ۱۶۶۹) در سیاست‌نامه خود (چاپ

۸ - ۱۳۱۴ قسطنطنیه از هفتادوشش افزار یاد نموده است در چهار دسته : آوازدار ، ضربی ، بادی ، زه دار .

سپس او دربارهٔ هریک از اینها سخن میگوید و از همهٔ آنها بررسی میکند ، نام آنها چنین است .

دسته ۱ : چاک یا چکرق ۲ - فلجان ساز (از همان فنجان یا پنگان فارسی) ۳ - زل ۴ - چغنه یا چغانه ۵ - چال پره یا چال پارهٔ رقاص یا چاره چی رقاص ۶ - اغز طنبورسی یا اغیز ۷ - شانه .

دستهٔ دوم : ۸ - دف ۹ - دائره یا دف مربع ۱۰ - کوس ۱۱ - قدوم ۱۲ - نقره یا نقره یا نقاره ۱۳ - طبل باز ۱۴ - چو ملک دنبه لگی ۱۵ - جام دنبه لگی ۱۶ - یمن دنبه لگی ۱۷ - مقرن دنبه لگی ۱۸ - ایوب دنبه لگی ۱۹ - داول ، طاول ، طبل ، دهل .

دستهٔ سوم : ۲۰ - قوال ۲۱ - نی ، نای ۲۲ - قبادورک (همان توتیک ترکمانی با طوطک فارسی) ۲۳ - عربی دودک ۲۴ - مجار دودگی ۲۵ - چاغرتمه دودگ ۲۶ - دانکیو دودلی ۲۷ - دلی دودک ۲۸ - مزمار دودگی ۲۹ - موسیقال ۳۰ - صغیر ۳۱ - زورنا یا سورنا ۳۲ - قبازورنا ۳۳ - جودی زورنا ۳۴ - شهابی زورنا یا شهری زورنا ۳۵ - عربی زورنا ۳۶ - عجمی زورنا ۳۷ - بلابان که در شیراز نخستین بار ساخته اند و مراغی هم از بلابان یاد کرده است ۳۸ - قرناطه ۳۹ - قامش مزمار ۴۰ - طلوم دودکی ۴۱ - ارغنون ۴۲ - درویش بوروسی ۴۳ - ایوب بوروسی ۴۴ - افراسیاب بوروسی ۴۵ - پرنج بورو ۴۶ - شیشه بوروسی یا شکی نفیر ۴۷ - نفیر ۴۸ - تورمپنه بوروسی ۴۹ - انگلیز بوروسی ۵۰ - لوطوریا یا لوطوریان بوروسی ۵۱ - ارغنون بوروسی ۵۲ - گره نای .

دسته چهارم : ۵۳ - چنگ ۵۴ - قانون ۵۵ - سنتور ۵۶ - شش خانه ۵۷ - طنبور ترکی ۵۸ - طنبور سرونیان ۵۹ - تل طنبور ۶۰ - قپوز یا قوپوز ۶۱ - قره دوزن ۶۲ - یونقار ۶۳ - یلتمه ۶۴ - چارتار ۶۵ - شرقی ۶۶ - چشده ۶۷ - اچوگور ۶۸ - سوندیر ۶۹ - روضه یا رود ، رودخانی ، شاهرود ۷۰ - بریط ۷۱ - عود ۷۲ - ششتا ۷۳ - مغنی ۷۴ - رباب ۷۵ - کمانچه ۷۶ - اقلق .

می بینیم که بسیاری از این نامها یا ریشهٔ آنها به فارسی بر میگردد . برخی از آنها هم میرساند که موسیقی اروپایی در موسیقی ترکی تأثیر کرده است .

این نکته را هم بگویم که چنانکه دیدیم در کنترل التحف از بازده افزار و در تفاوت الادوار از چهل و یک افزار موسیقی یاد شده است .

۱۸ - دو رسالهٔ عربی که جیمس روبسن James Robson در لندن بسال ۱۹۳۸ بنام Tract on music با ترجمه و مقدمهٔ انگلیسی چاپ کرده است .

این دورساله که بر ضد هم ساخته شده و خواننده را سرگردان میسازد یکی بنام ذم الملاهی از ابوبکر عبدالله بن محمد بن عبید ابن ابی الدینا قرشی بغدادی (۲۰۸ - ۲۸۱) است که در آن غنا و موسیقی ورقص و شطرنج و نرد و هرگونه بازی بی هوده و برناپرستی را یک باره تحریم میکند و چندین حدیث در نکوهش از آنها میآورد و هر خواننده ای که آن را ببیند در ناروایی آنها در اسلام شکی به خود راه نمیدهد . دومی بوارق الالماع فی الرد علی من یحرم السماع است از نجم الدین ابوالفتوح احمد غزالی که درست به عکس او غنا و موسیقی ورقص را روا میدارد و با روش اجتهادی شگفتی این مسأله را طرح و حل میکند . او میگوید که اگر ما سماع را حرام بدانیم باید بگویم که پیامبر اسلام خدای نا کرده کار ناروایی کرده که دستور خواندن سرود و زدن دف را داده است . گفتار او امر است و امر مفید و خوب ، او چندین خبر در این زمینه میآورد و به آنها در تحلیل سماع ورقص تمسک میکند (اما فقهای شیعی و حنبلی خواهند گفت که «ثبت العرش ثم انقش» این خبرها درست نیست) او نرد را

لعب و بازی را حرام میدانند ولی رقص را لعب و بازی ناروا نمی‌پندارد و برای جواز آن حدیث می‌آورد. او دلایل عقلی و عرفانی هم می‌آورد و می‌گوید در آهنگها و نغمه‌های متناسب و سازگار معنی‌های ذوقی است و حقایق توحید و هر عضو باید به نوعی از آن بهره‌گیرند، نیروی شنوایی از آن سازش‌ها و هم‌آهنگی‌های لطیف و شیرین می‌یابد و چشم از آن جنبش‌ها و حرکات متناسب (رقص) می‌بیند و دل از آن معنی‌های لطیف و خرد از آن تناسب و سازگاری می‌یابد. او می‌گوید که سماع و موسیقی را زمانی باید و مکان و جایگاهی. زمان آن هنگامی است که دل پاک باشد و اندرون زودوده و جایگاه آن زاویه‌ها و خانقاه‌ها است ولی مسجدها بهتر است چه آن جای پرستش است و عبادت پس سماع و شنیدن آوای خوش واجب است و اگر کسی سماع و دف‌زدن (نه افزارهای دیگر که نارواست) را ناروا پندارد از سنت سرباز زده است و کسی که آن را حرام بداند کافر و کسی که از آن روی گرداند فاسق است (۱۹) ولی من در فهرست برلین وصفی از رساله ابن حجر دیده‌ام و گویا هم در هند چاپ شده است که سخت در این مورد به خلاف رفته و سخنان غزالی و دیگران را رد کرده است. از سوی دیگر رساله ابن حجر از رهگذر پی بردن به تاریخ موسیقی و شطرنج و نرد در خاورزمین بسیار ارزنده است.

۱۹ - در مجله Ethnomusicologie (سال ۱۹۵۹ ش ۳ ص ۱۸ - ۲۲) فهرست کتابها و مقاله‌ها و مجله‌های مربوط به موسیقی مردم آسیای مرکزی آمده است (ابندکس ایسامیکوس).

۲۰ - در مجله الفنون الشعبیة (شماره ۹ سال ۳ تاریخ ژوئن ۱۹۶۹ ص ۱۳) مقاله‌ای خواندم از دکتر محمود احمد حفنی به عنوان «الموسیقی والاعانی بمصر» که در آن از موسیقی دوستی خلفای فاطمی مانند معز و ظاهر و حافظ و ظافر که نسخه‌ای از اغانی اصفهانی بنامش نرشته‌اند و هنوز هم هست و همچنین از چند مطرب دربار مماليك بحری یاد شده است. در آن آمده که شبك بن حیدر فرمان‌روای قاهره در شعبان ۸۸۶ خدیجه رحبانیه را که در میان توده مردم خوانندگی می‌کرده است به جرم اینکه میان آنان فساد و تباهی رواج داده است گرفته و ۵۰ چوب زده و از او غرامت گرفته است و او در اثر این آزار بیمار شده و کمی زیسته و سی سال نشده در گذشته است.

همچنین جانشین او هیفاء را که رئیس خوانندگان سلطان غوری بوده است در ۹۱۸ گرفتند و به زندان انداختند و شکنجه دادند و غرامتی کلان از او گرفتند و او با فروختن همه مالهایش توانست این غرامت را بپردازد.

۲۱ - عیسی اسکندر معلوف مقاله‌ای دارد در مجله مجمع‌العلمی العربی دمشق (۳ : ۸ ص ۲۲۵ تا ۲۳۰ و ۱۱ ص ۳۳۷ تا ۳۴۴ و ۳۶۰ تا ۳۶۶) درباره نسخه‌های گرانبهای خزانه تیموریه در قاهره و در آن یاد شده است از:

۱ - کتاب الموسیقی فارابی که در آن از عود و طنبور بغدادی و خراسانی و مزامیر بحث شده است.

۲ - الرسالة الشرفیة : ارموی .

۳ - الادوار والایقاع همو که نسخه کهنه‌ایست .

۴ - رساله الموسیقی شیخ محمد سنار در دو باب :

اصول النغم ، ضروب النغم

این مقاله برای فهرست‌نگاران بسیار سودمند است .

معلوف در آن از مقاله کارادوو (Carra de Vaux) که در مجله آسیائی

Journal asiatique (دوره هشتم مجلد ۲۸ ص ۲۷۹ - ۳۵۵ سال ۱۸۹۱) چاپ شده یاد کرده است .

من این مقاله را که معلوف نشانی از آن نداده بود با رنجی پیدا کرده و خواندم دیدم بسیار خوب است. او در آن به بحث کزگارتن در دیباچه، مجلد یکم الاغانی اشاره میکند ناگزیر بآن هم نگرستم دیدم تا اندازه‌ای تحقیق کرده و کارادوو از آن بهره برده است. او در این مجله بندهایی از الرسالة الشرفیة را برگزیده و به فرانسه درآورده و سپس همین مقاله را در *Traité des rapport musicaux* سال ۱۸۹۱ گذارده است.

خوب است آشنایان بزبانهای لاتین و فرانسوی این بحثها را بفارسی دریاورند و در مجله موسیقی چاپ کنند چه با اینکه کهنه است باز برای گروهی تازگی دارد و در ضمن به اشتباهاتی که خاورشناسان داشته‌اند پی برده میشود.

۲۲ - در *ابجدالعلوم* (چاپ بهوپال هند در ۱۲۹۶ ص ۶۵۷) بندی از الفتحیة لاذوقی آمده و گفته شده که آن همان عبارات شفای ابن سینا است با افزودن يك کلمه سپس عبارتهای فارابی و مدینه‌العلوم و همه اینها درباره موسیقی است. او یاد میکند از کتاب موسیقی فارابی و میگوید که نامورترین و بهترین کتابها است و نیز از موسیقی شفا و مختصر لطیف صفی‌الدین عبدالؤمن ارموی و نگارش سودمند ثابت بن قره و «المختصر النافع فی فن الايقاع» ابوالوفاء بوزجانی سپس تاریخ موسیقی را افسانه‌وار می‌آورد و آنگاه یاد میکند از ارموی و الشرفیة او و از خواجه عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی آنگاه سخن که ابن‌خلدون درباره غناء دارد نقل میکند.

۲۳ - در مجله انجمن خاوری آمریکا *Journal of the American Oriental Society* (سال ۱ ص ۱۷۱ تا ۲۱۷ چاپ ۱۸۴۹ بستن) مقاله‌ایست در چهار فصل که در آن گریده‌ای از رساله موسیقی میخائیل مشاقه (گویا به نظم) و پاره‌هایی از کتاب موسیقی فارابی که کزگارتن در مقدمه مجلد نخستین الاغانی آورده است و کتابی گمنام در موسیقی که در ۶۶۶ بنگارش درآمده و نزدیک به ۲۰۰ برگ بوده است از عربی بروش آزاد به انگلیسی درآمده است. اصطلاحات در متن به فارسی است و در ترجمه نمودار است.

این کتاب گمنام گویا شرفیة ارموی یا ادوار اوست و می‌توان از سنجش ترجمه انگلیسی با این دو متن دریافت که کدام است.

۲۴ - در مجله شهبال ترکی که چهار مجلد آن را در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دیده‌ام در شماره‌های ۴۹ تا ۵۱ آن مثالی است با عنوان «موسیقی» و در شماره‌های ۵۲ تا ۹۳ دنباله همین مقاله است با عنوانهای «شرق موسیقی‌سی» یا «موسیقی» و در اینها «کتاب علم الموسیقی علی وجد الحروفات» یا «کتاب علم الموسیقی» است از «قانتیمیر اوغلی» و این یکی رساله نغمه‌نگاری و نت‌نویسی موسیقی شرقی است نزدیک به نسخه‌های ادوار سلطانی.

۲۵ - در *نهایة الارب نویری* از ص ۱۳۳ تا پایان مجلد ۴ تاریخ موسیقی است و بحثی خوبی در آن از موسیقی از رهگذر دینی و عرفانی شده است. در ص ۲۳۹ آن آمده است «والغناء قدیم فی الفرس والروم ولم یکن للعرب قبل ذلك الا «الحداء والنشید» وکانوا یسمونه «الركبانية» و اول من نقل العجمی الی العربی من اهل مکه سعید بن مسیح و من اهل المدینه سائب خاثر و اول من صنع الهزج طویس».

۲۶ - شماره ۵۴۰۸ ب خاورشناسی شهر باکو ادوار ارموی است به نسخ محمدقلی بن حسن قراباغی در ۱۵ ج ۱۲۷/۲ (= ۱۲۰۷) در اصفهان (در مجموعه‌ای دارای شرح مقامات حریری و همین رساله و تشریح الافلاک عاملی).

آغاز: بسمله. حمدله... اما بعد فقد امرنی من یجب علی امتثال اوامرہ والتیمن بالسعی فی مسالك مرامی خواطره ان اصنع له مختصراً فی معرفۃ النغم ونسب ابعادها و ادوارها. انجام: ولکنکف بهذا القدر فی هذا الفن و نختمت الكتاب و الحمد لله علی سیدنا و نبینا محمد و اله الطاهرین و لعنات الله علی معاندیهم اجمعین.

۲۷ - چاپ عکسی که دکتر حسین علی محفوظ در بغداد در ۱۹۶۱ از آن کرده است در کتابخانه هاروارد دیده‌ام مقدمه‌ای از او دارد و او آن را از روی مجموعه‌ای که گویا از آن

خود او بوده است نشر نموده است . در این مجموعه شرح الشمسیة فی الحساب ابواسحاق کرمانی موسیقار ریاضی‌دان است که در ساری در ۸۵۷ ساخته و در ۸۷۳ آن را پاک‌نویس کرده است و الشرفیة صفی‌الدین ارموی که در ۸۶۳ آن را همین کرمانی نوشته و در ۸۸۱ دوباره آن را خوانده و حواشی و تعلیق زده است سومی این مجموعه همین الادوار است که او در شعبان ۸۷۰ باید نوشته باشد چه در صفحه آخر آن (۲۰) نام آهنگهاست به فارسی با رموز آنها سپس سیزده دور که یکی از هنرمندان موسیقی آن را از هشتاد و چهار دور کتاب «استاد صفی‌الدین عبدالؤمن رحمه الله» بیرون کشیده است و در پایین آن این تاریخ آمده است . کتاب در ۱ پ - ۲۰ ر است (۲۰ س) به نستعلیق روشن و او این مجموعه را به سلطان ابراهیم بن جهان‌گیر در محرم ۸۸۲ بخشیده است .

عنوان در این نسخه (۱ ر) چنین است « کتاب الادوار فی معرفة النغم و الادوار مما صنفه الحکیم اعجوبة زمانه و نادرة او انه صفی‌الملة و الدین عبدالؤمن البغدادی قدس الله روحه » . از این ابواسحاق کرمانی چندین رساله ما در دانشگاه داریم (۹ : ۶ - ۱۰۵۴) در فهرست مجلس (۹ : ۵۹۳ تا ۵۹۵ و ۱۹ : ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۵۶۹) هم نام او هست . او ریاضی‌دان و منجم کرمانی پرکاری بود که در دربار فرمانروایان طبرستان میزیسته است .

(پایان)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

